

نوا

فراخوان کبی، داوران نامشخص

سی و پنجمین دوره جشنواره موسیقی فجر در ماه آینده شاهد اولین دوره برگزاری جایزه «موسیقی و رسانه» ویژه نویسندگان و خبرنگارانی خواهد بود که به موضوع موسیقی پرداخته‌اند. متن فراخوان این جایزه که بسیاری آن را کبی ساده‌دلانه‌ای از جشنواره «فوشاها و وبسایت‌های موسیقی در اینترنت» می‌دانند که به پیشنهاد دفتر موسیقی برای جشنواره فجر تهیه شده و همچنین نامشخص بودن هیات داوران که تا لحظه بستن صفحات روزنامه‌نامی از آن‌ها در اختیار رسانه‌ها قرار نگرفته است نشان از آشفتگی در این دوره مدیریت جشنواره موسیقی فجر دارد که تا امروز خبری از جدول جشنواره و یا گروه‌های شرکت‌کننده در آن نیست. گویا جشنواره‌ای که با معضلات و مشکلات مدیریتی فراوانی روبروست مشکل دیگری نیز چون جایزه موسیقی و رسانه‌بدان‌ها افزوده است.

محسن چاووشی

و آلبوم بی‌نام/ قمارباز

روش عجیب چاووشی برای دور زدن ارشاد محسن چاووشی برای دور زدن ارشاد روش خاصی را به کار برده است. آلبوم با روی جلد بی‌نام و پشت جلد قمارباز است که می‌توان جلد آلبوم را پشت‌ورو عوض کرد و به همان نام اصلی آن را دید. وزارت ارشاد به آلبوم محسن چاووشی اجازه انتشار با نام قمارباز را صادر نکرد و این آلبوم با عنوان بی‌نام منتشر شد. اما در واقع نام حقیقی این آلبوم، همچنان «قمارباز» است و فقط کافی است جلد آلبوم را بچرخانید.

ار کستر ملی

در اختیار آقاوردی پاشایف

ار کستر ملی ایران به رهبری میهمان «آقاوردی پاشایف» کنسرتی با عنوان شب موسیقی ایرانی - آذری را ۲۶ دی‌ماه ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه در تالار وحدت اجرا می‌کند. خواننده این اجرای ار کستر ملی ایران «فخری کاظم‌نجات» است. در این اجرا، سولیسیت تار صحب پاشازاده و سولیسیت ویولن مازیار ظهیرالدینی ار کستر ملی ایران را همراهی می‌کنند. در این کنسرت قطعات آذری و ایرانی چون: سن سبزه، آریای بالاش، وطن نغمه‌سی، سینه ده‌قالمز، عسگرین آریاسی، آیرلیق، انولری وارخانه خانه، قرنیل، راسپودی چهار گاه، چار داش، مرغ سحر و شوشتری برای ویلن و ار کستر، دونغمه ترک، به یاد صبا، سرود گل، سبک بال و شور آفرین به یاد استاد حسین دهلوی نواخته می‌شود.

نو نوا

هفت



پیام جهانی
تار: پیام جهانی
تار سوپرانو و تار: امیرحسین نجفی
تار باس، رباب: کیارش روزبهانی
کمانچه و قیچک آلتون: یاشار اشاعتی
ناشر: ماهور ۱۳۹۸
در باره اثر، به قلم ساسان فاطمی می‌خوانیم:
«شاید در بین کارهای اخیر پیام جهانی که از تکنوازی صرف فاصله گرفته است، این آلبوم از همه شخصی‌تر باشد؛ و شاید، از شوخی روزگار، حتی شخصی‌تر از آلبوم‌های تکنوازی‌اش. پیام جهانی یک و نور تو تار است، یک آموزش دیده موسیقی ایرانی در جهان امروز. و هفت یک اثر موسیقایی از اوست: حاصل کار برده همه ابزارهای هنری - ذهنی در دسترس او برای بازتاب چیزی که هست، چیزی که می‌آید به خواننده تاب دهد. آنچه‌باین ابزارها در وجود می‌آید یک فضای اثیری است، پراز سکوت‌هایی که صداها آنها را می‌سازد، صداها از دل آنها سر بر می‌آورند و باز هم صداها در دل آنها محو می‌شوند.»

اهالی موسیقی تالار وحدت را یگانه سرما به و دارایی خود می‌دانند که در دست دولت به امانت است و مایل اند دولت‌مردان و مدیران فرهنگی حاکم بر مدیریت این سالن برای نگهداری آن، چه به لحاظ حفظ وضعیت فیزیکی و چه حفظ ارزش معنوی و معتبرسازی نام آن بکوشند

اینکه بعد از سه سال و اندی هم‌زمان با آغاز فستیوال دانش‌جویی صبا در آذرماه گذشته؛ به دستور مدیرعامل بنیاد رودکی صندلی‌های قبلی بر سر جای خویش بازگشتند و این سالن به چیدمان و شکل ظاهری پیشین خود آراسته شد. همان چیدمانی که در طبقه همکف آن هیچ‌کسی بر دیگری برتری نداد. این اتفاق نویدبخش روزهای بهتری برای نگهداشت میراثی چون تالار وحدت است و امید داریم که مدیر بنیاد رودکی بعد از این حرکت شایسته صندلی و درهای بالکن‌ها را نیز تعمیر کرده و به همان شکل قبلی آنها را حفظ کند. این سالن متعلق به همه مردم و موسسین هاست. مردمی که با مالیات آنها و بودجه ملی‌شان این سالن ساخته شده و اکنون نیز با همان بودجه منابع ملی از جمله نفت و مالیات‌شان دولت را مسئول حفظ امانت آثار ملی گمارده‌اند.

سالن بنشیننده به این ترتیب چیدمان و دکوراسیون داخلی این سالن را با صرف بودجه بسیار دستخوش تغییرات ساختند. البته از آنجایی که یکدستی صندلی‌های سالن ریشه در اندیشه عدم تفوق‌کسی بر دیگری در سالن موسیقی و برابری همگان در شنیدن موسیقی در هر نقطه‌ای از این سالن است که با شیوه معماری آکوستیک سالن کاملاً همخوانی داشته در نتیجه تغییر صندلی‌های ردیف اول ضمن برهم زدن نظم و زیبایی و تخریب این سالن نشان از چیزهای دیگری همراه خود داشت از جمله اهمیت داشتن راحتی مدیران دولتی و حاکمیتی در نشستن بر صندلی‌های بیش از حفظ امانت، که نشأت گرفته از تفاوت داشتن طبقه آنها با مردم و البته برتری طبقاتی بود. مساله‌ای که حتی در دوران شاهنشاهی هم در طبقه همکف سالن وجود نداشت و برای حضور در باربان و شاه و ملکه نیز جایگاهی در بالکن دوم تعبیه شده بود اما بعد از سی‌و‌اندی سال این مساله مهم بود که در ردیف اول طبقه همکف نیز تفاوت جایگاه مشهود باشد که نشان از نگاه طبقاتی مسئولان دولتی داشت که برای خود تقویتی بیش از حد تصور قائل بودند و حتی برای چند ساعت نیز حاضر نبودند در جایی بنشینند که مردم سال هاست بر آن نشست‌اند. از این‌رو این تبعیض آشکار و برهم زنده نظم سالن که تخریب امانت نیز به حساب می‌آید همواره مورد اعتراض اهالی موسیقی و مردمی بود که به این سالن عشق می‌ورزیدند تا



را در جهت ارتقا و رشد منصب و مقام یگانه سرما به و دارایی خود می‌دانند که در دست دولت به امانت است و مایل اند دولت‌مردان و مدیران فرهنگی حاکم بر مدیریت این سالن آن را در بهترین وضعیت نگه‌دارند و برای نگهداری این امانت گرانبها، چه به لحاظ حفظ وضعیت فیزیکی و چه حفظ ارزش معنوی و معتبرسازی نام آن بکوشند. اما مدیران دولتی که صندلی‌های ناپایداری دارند و سیاست‌های خویشتن

اهالی موسیقی این سالن کنسرت را یگانه سرما به و دارایی خود می‌دانند که در دست دولت به امانت است و مایل اند دولت‌مردان و مدیران فرهنگی حاکم بر مدیریت این سالن آن را در بهترین وضعیت نگه‌دارند و برای نگهداری این امانت گرانبها، چه به لحاظ حفظ وضعیت فیزیکی و چه حفظ ارزش معنوی و معتبرسازی نام آن بکوشند. اما مدیران دولتی که صندلی‌های ناپایداری دارند و سیاست‌های خویشتن

سالن مناسب‌پر است و از این لحاظ به‌علاوه گنجایش و تعداد صندلی و معماری آن در کشور بی‌همتاست. از این‌رو برای اهالی موسیقی تنها دارایی جمعی است که همواره برای وضعیت نگهداری آن نگران‌اند و به‌طور جد می‌خواهند که این سالن که حالا یک داشته ارزشمند فرهنگی، هنری است و در این چهل و یکسال نمونه آن ساخته نشده بتواند برای همیشه حفظ شود و سالم و بدون تخریب و آسیب بماند.

لیلا موسی زاده

تالار وحدت یا همان رودکی از روزهای اولیه ساخت و شکل‌گیری به‌عنوان سالن اپرا و کنسرت در ایران، تاکنون همواره مورد افتخار اهالی موسیقی بوده است و نسبت به آن تعلق خاطر خاصی دارند. کیست که باین سالن باشکوه خاطرهای نداشته باشد؟ این سالن یکی از سه سالن استاندارد برگزاری کنسرت در ایران بوده و تنها

دنگ و دونگ

به بهانه زادروز افیلیا پر تو

سپاس از این هستی پاکیزه

میرعلیر شامیر علی‌نقی

اگر بپرسند که کدام نوازنده پیانو در تاریخ موسیقی ایران، بیشترین نقش و سهم را در آموزش و اجرای این ساز - یا به عبارت دیگر موسیقی ایرانی برای پیانو - داشته است، جواب، منحصر به یک نفر خواهد بود؛ سرکار خانم افیلیا پر تو. سابقه حضور ایشان در موسیقی از مرز هفت دهه گذشت و پیشینه حضورشان در زمینه آموزش شش دهه را پشت سر گذاشت. اگر چه با لحظه‌هایت‌ظاهری ایشان، قبول این واقعیت قدری دشوار است! خانم پر تو از فارغ‌التحصیلان اولین دوره تأسیس هنرستان موسیقی ملی است. دوره‌های ۱۰ ساله و سپس ممتاز، که ویژگی آن به خاطر حضور حیات‌بخش استادی بود که دیگر پس از او، نظیر او نیامد: روح‌الله خالقی (۱۲۸۵-۱۳۴۴)، و استادانی که به خاطر او در هنرستان حاضر شدند. تربیت عالی هنری و تربیت عالی اخلاقی هنر جوانان، ایده‌آلی بود که استاد خالقی آن را دنبال می‌کرد و در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۰ نتیجه آن آشکار شد: شماری از هنرمندان که از سالم‌ترین‌ها،

و به‌طور اختصاصی، شنونده اجرای زنده ایشان در منزلش باشم!!
بعدها با ورود بیشتر به موسیقی، دیدم که چقدر شیوه نوازندگی ایشان به استادش جواد معروفی وفادار است و مفهوم «مکتب‌داری» را چه درست و خالصانه معنا می‌کند. سال‌های سال با گذر فصل‌ها، زندگی مستقر در ابتدای بن‌بست نیلوفرآرا این صدا معنای می‌کرد. نواختن مشجون از آرامش که گاه نشاط و گاه اندوهی لطیف‌رامی برآورد، ولی حتی یک لحظه هم سبک و آشفته و پریشان نبود. سازی بود که مثل خود زندگی بود. ساز، نوازنده را توصیف می‌کرد.

با گذشت زمان شاگردان بیشتر و بیشتر می‌شوند و حالا دیگر صدای درس پس دادن‌ها بود که بیشتر شنیده می‌شود. ما کوک‌دان دیروز محل که هم‌بازی با کیوان، پسر خانم پر تو بودیم، بزرگ می‌شدیم و هر کدام به راهی می‌رفتیم. از آن میان، فقط من به راه موسیقی رفتم که اصلاً، زمینه خانوادگی‌اش انداخته و در تصور هم‌نمی‌گنجید که زندگی‌ام را در این مسیر بگذارم. اما، شد آنچه که شد و اکنون خانم افیلیا پر تو، آن پسرک دیروزی را به گونه‌ای دیگر می‌شناسد و او را توصیف می‌کند. توصیفی حیات‌بخش و غرور آفرین، و شاید در حدی فراتر از شایستگی فرد توصیف شوند. از نگاه تاریخ‌نگار موسیقی، زندگی و تاریخ، با این هنرمند، مساعد و مهربان نبوده است و فضای



سلطه‌گر جامعه مردسالار پیش از ۱۳۵۷، انواع و اقسام موانع را سر راه او تراشید. بعد از ۱۳۵۷ آتش فساد و ابتدالی که دیگران در این معرکه فراهم کرده بودند، دامن زندگی منزله او را نیز گرفت و هر از گاهی گرفتارش کرد. آثارش به‌موقع ضبط نشد و «خاطره» اش هم از بین رفت. آنها که ضبط شده‌اند چنان کیفیت اسف‌انگیزی دارند که نمی‌شود برای بار دوم دید. مرگ انسان‌های محبوب زندگی‌اش، هر کدام تکه‌ای از وجود او را کند و با خود برد؛ مادر، استاد معروفی، آقای ملاح، خاطره پروانه و... تا آخرین حد توان، سالم و اخلاقی زیسته ولی بر خورد زندگی با او، نه سالم بوده و نه اخلاقی. خویشتن‌داری شگفت‌انگیز او مانع شده که در پیچه‌ای از این دردهای درون، به

برنامه عصر جدید به شهرت زیادی دست پیدا کردند، در شرایطی است که هنوز تهیه‌کننده و مدیر برنامه مشخصی به‌صورت رسمی برای این دو برادر معرفی نشده است. این در حالی است که شنیده شده طی ماه‌های گذشته تعدادی از تهیه‌کنندگان عرصه‌های مختلف موسیقی، با ارائه پیشنهادهایی هتگت به برخی از استعداد‌های برنامه‌های تلویزیونی از شهرت آنها در برگزاری برنامه‌ها و مراسم مختلف بهره‌بردار می‌کنند. هنوز از میزان دستمزدها و جزییات انعقاد قرارداد با این هنرمندان اطلاع چندان دقیقی در دست نیست.

تلویزیون و خواننده‌های پاپ کرد زبان معرفی شده در برنامه عصر جدید

کنسرت‌هایی با پشتوانه تبلیغات اولیه تلویزیونی

برادران کردستانی که در اولین فصل از برنامه تلویزیونی «عصر جدید» مورد توجه مخاطبان قرار گرفتند، ۲۶ دی‌ماه کنسرتی را در شهر هشتگرد قرار می‌کنند. به گزارش خبرگزاری مهر، کارزان و باسط قاسمی دو برادر خواننده‌ای که در اولین فصل از برنامه تلویزیونی «عصر جدید» مورد توجه مخاطبان این برنامه قرار گرفتند، ۲۶ دی‌ماه کنسرتی را

در شهر هشتگرد برگزار می‌کنند. طبق برنامه‌ریزی‌های انجام گرفته این دو برادر روز پنجشنبه آخر دی‌ماه در شهر هشتگرد کنسرت خواهند داد. این در حالی است که قیمت بلیت کنسرت این دو برادر بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است.

برگزاری کنسرت این دو که پس از حضور در فصل اول